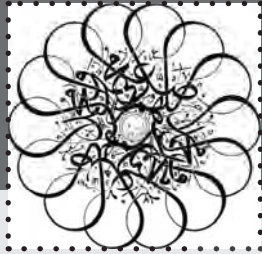


بررسی فرآیند رشد و توسعه اسلام از بعثت تا هجرت نبوی



سید علی اصغر دادگر / نصرت سید سجادی

آنها به حوادث تاریخ اسلام ارتباط داشته اهمیت ویژه دارد از بعثت نبی اکرم(ص) تا مهاجرت به یثرب که نهال اسلام کاشته شد مطالعه وضع مسلمینی که اسوه مقاومت و صبر و ایثار بودند برای الگوگیری هر مسلمان شایان اهمیت است. لذا در این مقاله سعی شده است جریان

مقدمه

آشنایی با زندگی پیامبر اکرم(ص) و جریان گسترش اسلام برای مسلمانان بسیار لازم است تا بدانند که این دُرّ گران بها را رایگان به چنگ نیاورده‌اند و برای به دست آوردن آن چه زحمات فراوان کشیده، چه خون دل‌ها خورده و چه جانهای ارزشمند فدا شده است. بعثت نبی اکرم(ص) چنان عظیم بود که در تغییر سیاست‌ها و فرهنگ‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی در طول تاریخ نقش موثر بسیار مهم داشته و سرنوشت‌ها را تغییر داده است.

شناخت حوادث صدر اسلام و نحوه رشد و توسعه آن برای مردم ایران که عشق و اعتقاد و علاقه خاص به اسلام دارند و وقایع سرزمین



شکل‌گیری و توسعه اسلام در مکه در زمان حضرت پیامبر (ص) مورد بررسی قرار گیرد.

□ بعثت نبی اکرم

بعثت، برانگیختگی پس از یک مرحله رکود و سکون است، در جامعه شرک زده و جاهلیت که از کمالات انسانی دور افتاده بودند بعثت نبی اکرم صورت گرفت، بعثت واقعیت‌های حاکم بر جامعه مکه را دگرگون ساخت و علیه مظاهر شرک طغیان کرد و یک نظام توحیدی انسانی که عدالت و قسط را بشارت می‌داد و انسان را به کمال اخلاقی می‌رساند، جایگزین کرد.

حضرت محمد (ص) برای دوری از محیط فاسد و شرک زده مکه هر سال در ماه مبارک رمضان مکه را ترک می‌کرد و در غار حرا به عبادت می‌پرداخت. قبل از بعثت هیچگاه فکر نمی‌کرد روزی مورد خطاب کلام وحی قرار گیرد و بر پیامبری مبعوث شود و مَا كُنْتَ تَرْجُوا أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ (قصص آیه ۸۶)

در یکی از روزهای تحنث در چهل سالگی بنا به قول اکثر مورخین (سیره ابن اسحق، ص ۲۰؛ ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۹۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۶) جبرئیل امین در مقابل ایشان نمایان شد و لوحی در مقابل حضرت محمد (ص) قرار داد و گفت بخوان و بعد از سه بار که جواب دادند چه بخوانم؟ جبرئیل کلام وحی را خواند و آن حضرت خواندند: «قُرْأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَقْرَأُ * وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (سوره علق، ۵-۱) آنگاه جبرئیل خطاب به حضرت محمد (ص) گفت تو از این پس پیامبر خدائی و من فرشته وحی خداوندم. به اعتقاد علمای امامیه بعثت رسول اکرم (ص) در روز بیست و هفتم ماه رجب بوده است و علمای اهل سنت، تاریخ‌های هفدهم و هیجدهم و بیست و چهارم ماه رمضان و دوازدهم ربیع‌الاول را نیز ذکر کرده‌اند. (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۰)

□ نخستین ایمان آورندگان

محمد (ص) پس از دریافت وحی با بار سنگین رسالت و شور و عشق و حیرت به خانه آمد و مورد استقبال همسر مهربان خود خدیجه قرار گرفت. خدیجه پس از شنیدن ماجرا به او تبریک گفت و به خاطر شناخت عمیقی که به همسرش داشت و صدق گفتار او را می‌دانست به محمد (ص) ایمان آورد و او اولین زن مسلمان بود.

بر اساس روایات فراوان شیعه و سنی حضرت علی (ع) نخستین مردی بود که به پیامبر ایمان آورد و رسالتش را تصدیق نمود. (الاتقان، ص ۹۸؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۴۹). فضیلت تقدم اسلام آوردن حضرت علی (ع) به وسیله ابن اسحاق، ابن هشام، سهیلی، نویدی، تأیید شده است و در

فهرستی که از ابن اسحاق وجود دارد و دیگران آن را تائید کرده اند نام حضرت علی در صدر دیده می شود این فهرست توسط دیگر مورخین نیز تائید شده است.

□ انقطاع وحی

بعد از نزول آیات نخستین سوره «علق»، برای مدتی وحی الهی قطع شد مدت زمان آن را از سه روز تا سه سال نقل کرده اند. (الروض الانف، ج ۲، ص ۴۳۳) با انقطاع وحی اندوه و حزن نبی اکرم (ص) زیاد شد. بین مورخین و مفسرین در آیاتی که بعد از انقطاع وحی نازل شده است اختلاف نظر وجود دارد. گروهی اعتقاد دارند آیات اولیه سوره (مدثر) به دوران انقطاع وحی خاتمه داده است. (سیره ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۰۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۹۲) « يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِيرٌ * وَتَيَّابِكُمْ فَطَهَّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمَنَّ أَنْ تَنْسُكُنَّ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ * فَإِذَا نَقَرْنَا فِي النَّاقُورِ » (مدثر، ۸-۱)

زیرا (قم فانذر) را اعلام نبوت و دعوت کردن مردم و توجه دادن به عذاب الهی دانسته اند در صورت قبول این نظریه معلوم می شود قبل از شروع دوره انذار (انذاری سری) از بین اهل مکه نخستین ایمان آورندگان خدیجه و حضرت علی (ع) و زید بن حارثه بوده اند و بقیه اسامی که در فهرست ابواسحاق موجود است پس از آغاز دوره انذار و پایان دوره انقطاع وحی ایمان آورده اند. عده ای نیز معتقدند آیات نخستین سوره (الضحی) بعد از انقطاع وحی نازل شده است.

□ دوره دعوت مخفی

کم کم حساسیت مشرکین و ایذا و اذیت تازه مسلمانان، پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان را واداشت که به دره های اطراف مکه برای عبادت در گروه های کوچک پناه ببرند، گاه بین مشرکین و آنان برخورد به وجود می آمد، چنانکه وقتی مسلمانان را به هنگام ادای نماز مورد تمسخر قرار دادند سعد بن ابی وقاص با استخوان فک شتر بر سر یکی از مشرکین زد و او را مجروح ساخت و این اولین خونی بود که در راه اعتلای اسلام ریخته شد. (سیره ابن اسحاق، ص ۱۴۷؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۱؛ الروض الانف، ج ۳، ص ۴۳)

با بروز درگیری ها به دستور پیامبر اکرم (ص)، محل دعوت برای هدایت مسلمانان در خانه «ارقم» در کوه صفا انتقال یافت به این ترتیب هم فعالیت ها تمرکز پیدا کرد (الاصابه، ج ۱، ص ۱۰۷؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الصفوه، ص ۱۳۰) و هم دعوت با حزم و احتیاط بیشتر صورت گرفت زیرا به تجربه دریافته بودند که جلسات پراکنده و عبادت های چند نفره عملاً با برخوردهای بیشتر می انجامد. به این ترتیب با دنبال کردن پیامبر به دعوت تعداد مسلمانان به چهل نفر رسید. (الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۰۷؛ الاصابه، ج ۱، ص ۲۸)

از بین افراد سرشناسی که در خانه ارقم اسلام آوردند ابوذر غفاری بود. با توجه به اینکه ابوذر خبر بعثت پیامبر (ص) را در بادیه شنیده بود به مکه به منزل حضرت علی (ع) وارد شد و بعد از سه روز به خدمت پیامبر (ص) رسید و مسلمان شد. اسلام آوردن ابوذر نشان می‌دهد که حتی در دوره دعوت مخفی در خارج از مکه نیز آوازه رسالت پیامبر رسیده بود. دعوت در پایگاه ارقم تا سال سوم بعثت ادامه داشت.

□ محتوای دعوت در دوره مخفی

یگانه پرستی و پرهیز از بت پرستی که اساس و شالوده دعوت پیامبر (ص) را در تمام دوره رسالت تشکیل می‌داده مبتنی بوده است بر خودسازی از طریق شب زنده‌داری، تربیت روح، پابندی به اصول اعتقادات اسلامی و تحمل سختی‌ها و صبر و شکیبایی و تلاش. زیرا می‌بایست رفتار و شخصیت آنان را تغییر دهد. (دلایل النبوه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ صفوه الصفوه، ج ۱، ص ۲۹۸)

دقت در پیام آیات اولیه حمد و مدثر و مزمل که در شمار نخستین آیات دوران دعوت مخفی است، وظیفه پیامبر (ص) و اصحاب را به تزکیه و پالایش درون و تلاش و غلبه بر وسوسه‌های شیطانی و ذکر و تسبیح و عبادت و برگزاری نماز مطرح کرده است. علاوه بر آن باید آماده شوند برای رویارویی با مشرکین و مبارزه جدی و نبرد فکری سنگین با مخالفین حتی با اقوام نزدیک و اعضای خانواده و عشیره در زمانی که متعرض مسلمانان شوند. (السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۸۳)

□ اطلاع مشرکین از دعوت مخفی

ابن اسحاق نقل می‌کند که برای تجارت به مکه وارد شدم دیدم مردی وارد مسجد شد و به نماز ایستاد که زنی و پسری جوان نیز همراه او نماز می‌خواندند من در کنار عباس بن عبدالمطلب نشسته بودم. از او پرسیدم این چه دینی است که آن را نمی‌شناسم؟ عباس گفت: «این مرد محمد بن عبدالله برادرزاده من است و آن زن خدیجه همسر اوست و آن پسر عموی وی است، محمد مدعی است خداوند او را به رسالت فرستاده است و به زودی گنج‌های کسری و قیصر بر روی وی گشوده خواهد شد.» (سیره ابن اسحاق، ص ۱۳۹)

ابن سعد از قول محمد بن واحدی می‌نویسد: «پیامبر مردم را آشکارا و پنهان به اسلام فرا می‌خواند تا اینکه جمعی از جوانان و ضعفای مکه به آن حضرت ایمان آوردند و پیروان او زیاد شدند. در این حالت قریش کاری با آن حضرت نداشتند فقط وقتی بر مجالس مسلمانان می‌گذشتند می‌گفتند پسر عبدالمطلب از آسمان سخن می‌گوید.» (الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۹)

در قول محمد بن واقدی محدود کردن ایمان آورندگان بر ضعفای مکه درست نیست زیرا با

نگاهی گذرا به زندگی مسلمانان اولیه پی می‌بریم که هسته نخستین صحابی پیامبر (ص) از یک طبقه اجتماعی خاص نبودند.

● خلاصه ویژگی‌های دعوت علنی و عمومی به شرح زیر است:

۱- پرستش خدای واحد و سرزنش از بت پرستی.

۲- تبیین هدف بعثت و ابلاغ یکتا پرستی و فراخوانی عمومی به آن.

۳- فلاح و نجات در پرتو توحید و ترک عبادت بتان.

□ علل مخالفت‌های اشراف مکه

مناسبات حاکم بر جامعه مکه از قرن‌ها قبل از اسلام مبتنی بود بر نظام‌های اشرافی در مجموعه‌های قبیله‌ای و تکاثر ثروت از طریق بهره‌کشی از تهیدستان و بردگان (المفصل، ج ۷، ص ۴۵۳)، رباخواری (آل عمران، ۱۳۰)، مالکیت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های انبوه (المفصل، ج ۷، ص ۴۳۸) و تفاخر قومی که پایه آنها بر شرک نهاده بود.

در دوره دعوت مخفی اشراف مکه فکر می‌کردند فقط دینی آمده که به خدای یگانه دعوت می‌کند و به زودی فهمیدند که این دین پایه‌های قدرت آنها را بر هم می‌ریزد زیرا از عدالت اجتماعی سخن می‌گوید. برای آنها سخت بود که پیامبر از رفعت و کرامت و عزت و مساوات و برادری انسان‌ها سخن می‌گفت و از حقوق ضعفا دفاع می‌کرد و قسمتی از ثروت اغنیا را حقی برای محرومان می‌دانست. اشرافی که بردگان را در حد چهارپایان به کار می‌گرفتند. نمی‌توانستند بپذیرند که بلال حبشی و زید و صهیب و ولید و عتبه و... با آنها برابر باشند مسلمانان نجات و نیاز آخرت خود را در تمکین از تفاهیم مقدس اسلام می‌دانستند، وقتی امیه بن خلف، بلال حبشی را شکنجه می‌داد از او پرسیدند تو از (احد) چه یافته‌ای که این همه سر سختی می‌کنی گفت: «نجات و آزادی خویش.» (اسلام شناسی، ص ۴۹۸)

□ واکنش‌های اشراف مکه در قبال دعوت علنی و عمومی

در مقابل اقبال مردم به اسلام و موفقیت پیامبر اعظم (ص) و به خطر افتادن مشرکین، اشراف مشرک مکه و یاران آنها اقدامات متعددی انجام دادند که مهمترین این واکنش‌ها عباتست از:

الف: استهزاء

قریش برای وارد ساختن فشارهای روانی به استهزاء پیامبر اکرم (ص) پرداختند تا بتوانند او را

منزوی کنند. (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۰۸؛ نهاییه الارب، ج ۱۶، ص ۱۹۸) در قرآن کریم به آزار و استهزای آن حضرت توسط معاندین چندین جا اشاره شده است «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ» (حجر، ۹۷) و «أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۳۸) و «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (یس، ۳۰) مشرکین هنگامی که آن حضرت نعمت‌های بهشتی را در ضمن دعوت ذکر می‌فرمود به استهزا، از او می‌خواستند به جای آن وعده‌های آخرت از نعمت‌های روی زمین به آنها هدیه کند. این ریشخندها قلب پیامبر (ص) را آزرده می‌ساخت و موجب اندوه ایشان می‌شد. (تفسیر قرطبی، ص ۱۵۸)

استهزا کنندگان مکه همه ثروتمند و اهل زر و زور و رباخواری بودند. توجه به نام آنها که ابن اسحاق مشهورترین آنها را نام برده دلیل بر این مدعاست. افرادی مثل (اسود بن مطلب، اسود بن عبد یغوث، ولید بن مغیره، عاص بن وائل و حارث بن طلطله) (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۰۸)

ب: تهمت

دشمنان پیامبر اکرم (ص) برای آن که عرصه را بر وی تنگ کنند از حربه دیگری استفاده کردند و آن تهمت زدن به ایشان بود چنانکه ولید بن مغیره ابتدا سخنان آن حضرت را اساطیر الاولین نامید و کوشید تا آسمان بودن منشا قرآن را نفی کند. مثلاً به ایشان تهمت جنون می‌زند که در قرآن کریم در سوره قلم این اتهام نفی شده است و بر خلق برجسته پیامبر (ص) تاکید شده است. علاوه بر آن در آیات دیگر قرآن کریم نیز به این مساله اشاره شده است (طارق، ۱۵، بروج، ۱۸-۱۰؛ تکویر، ۲۲؛ مدثر، ۴؛ مزمل، ۱۰؛ قلم، ۸؛ قمر، ۹)

ولید بن مغیره هنگام آمدن زائران به حج فعالیت‌های هماهنگ برای تهمت زدن به آن حضرت را فراهم ساخت که نتیجه آن تهمت ساحری بود. در حالی که خود قبول داشت و می‌گفت که: «سخن محمد با حلاوت است و اصل و ریشه آن مستحکم و میوه آن نیکو ولی با وجود این برای منافع خود تهمت به آن حضرت می‌زد.» (البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۶۱؛ سیره ذهبی، ص ۸۹؛ سیره ابن اسحاق، ص ۱۵۰)

در قرآن کریم در سوره مدثر به کوشش بی‌ثمر ولید بن مغیره اشاره کرده است و همچنین غالب مفسرین مخاطب آیه (۱۰) سوره مزمل را همین ولید بن مغیره دانسته‌اند. (تفسیر طبری، ج ۲۹، ص ۹۶)

ج: تطمیع

مشرکین مکه از دیدگاه خود به پیامبر (ص) نگاه می‌کردند به این جهت عتبه بن ربیعہ نماینده اصحاب دارالندوه به آن حضرت پیشنهاد حکومت و ثروت و همسران زیبا می‌کرد و شاید این

پیشنهادها بعد از مذاکره با ابوطالب و سایر اقدامات ایشان برای منزوی ساختن پیامبر (ص) بود. حضرت محمد (ص) در مقابل پیشنهادات زر و سیم و مال و منال و قدرت حکومتی و لذایذ دنیوی آیاتی از سوره فصلت را بیان فرمودند: «حِمٌّ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ * وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ ...» (سجده (فصلت)، ۸-۱)

عتبه که خود اعلم اشراف و سخن شناس قریش بود، وقتی نزد اشراف بازگشت اعتراف کرد که قرآن نه سحر است نه شعر و نه کهانت و نه جادوگری، برای حفظ اشرافیت قریش و از روی مآل اندیشی گفت: «ای گروه قریش سختم را بشنوید و از محمد دست بردارید سوگند به خدا با گفتاری که من از او شنیدم خبری بزرگ در پیش است... که عزت و سعادت شما در آن است. (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۹۴)

● پایه‌های اشرافیت مکه به شکل زیر بود:

- ۱- نظام نابرابری اقتصادی مردم بر پایه‌های شرک بود.
- ۲- از عدالت و مساوات می‌گریختند.
- ۳- نسبت به فقرا بی‌اعتنا بودند و اصلاً اهل بذل و بخشش نبودند.
- ۴- در فحشا و بگی و انجام منکرات غرق بودند.

به این جهت بود وقتی ولید بن مغیره خواست که پیامبر (ص) برای او قرآن بخوانند ایشان این آیه را خواندند (دلایل النبوه، ج ۲، ص ۱۹۲): «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۹۰)

د: درخواست کارهای خارق العاده

اشراف قریش که از ترفندهای قبلی طرفی نیستند از حضرت محمد (ص) انجام کارهای عجیب و خارق العاده در خواست کردند مثل؛ (هموار شدن کوه‌های مکه و جاری شدن انهار، آمدن فرشته‌ای در جلو مردم که پیامبر را تائید کند، بر سر اشراف سنگ فرود آید) نمونه‌ای از این درخواست‌ها در قرآن کریم آمده است از آن جمله: «وَقَالُوا مَالٌ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ مَعَهُ نَدِيرًا. أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا، أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا» (فرقان، ۹-۷)

حضرت پیامبر (ص) در مقابل این گونه سوالات با آرامش جواب می‌دادند که من مبعوث شدم بشیر و نذیر شما باشم اگر سخن مرا بشنوید سود دنیا و عقبی را خواهید برد ولی اگر مرا انکار کردید من وظیفه و ماموریت دارم که طریق صبر و مقاومت پیش گیرم تا زمانی که خداوند بین من و شما حکم کند.

اشراف قریش محمد (ص) را خوب می‌شناختند و متوجه کلام فصیح و محتوای مفاهیم قرآن کریم که خود معجزه‌ای شگفت است، بودند.

هـ: آزار و شکنجه مسلمانان

اشراف مکه پس از سر سختی حضرت محمد (ص) و پایداری مسلمانان و وقوف به سازش ناپذیری تصمیم گرفتند آن حضرت را بکشند. (دلایل النبوه، ج ۲، ص ۲۷۶) ولی با مقاومت جدی ابوطالب روبرو شدند و گویا در همین زمان حمزه عموی پیامبر نیز ایمان آورد و قریش متوجه شد که هر گونه تعرض به جان محمد (ص) واکنش شدید بنی هاشم را به دنبال دارد لذا به آزار و شکنجه مسلمانان فاقد حسب و نسب (موالی) پرداختند. (سیره رسول الله، ص ۳۰۴) شکنجه‌هایی مثل تازیانه زدن به آنها بر روی ریگ‌های داغ، گرسنگی و تشنگی دادن و نهادن سنگ سنگین بر روی شکم) انجام دادند. نام بعضی از این شکنجه‌شدگان عبارتند از: «بلال حبشی، عامل بن فهیره، صهیب بن سنان، ام عیس تهدیه و دخترش، سمیه.

چنان فشار بر مسلمانان زیاد شد که حتی برگزاری نماز را بر مسلمانان محدود کردند این فشارها سبب شد کسانی مثل (حارث بن زهر، ابوقیس فاکهه و ابوقیس بن ولید و...) مرتد شدند و در جنگ بدر همه این مرتدین کشته شدند. (تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۸۵؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۶۴۱)

و: حصر در شعب ابی طالب

مشرکین که نتوانستند با فشارها و شکنجه‌ها و... حضرت محمد (ص) را از دعوت به اسلام باز دارند به فکر تحمیل فشار اقتصادی افتادند و پیمان نامه ترک معاملات و مراودات اقتصادی و اجتماعی با بنی هاشم و بنی مطلب را نوشتند که بر اساس آن تا وقتی که بنی هاشم محمد (ص) را برای قتل به مشرکین وانگذارند حق معامله با ایشان را ندارند، به اتخاذ این رویه در شب اول سال هفتم بعثت (الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۹) بنی هاشم و بنی مطلب را چه مسلمان و غیرمسلمان در شعب محصور کردند. کم کم زندگی در شعب سخت شد و تمام ثروت خدیجه صرف نیازهای محصورین در شعب شد. (تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۸۹)

چند تن از مکیان در تهیه غذا به بنی هاشم مساعدت می کردند از آن جمله (ابوالبخزی و ابوالعباس بن ربیع و حکم بن هشام) (سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۴۲) ضمن آنکه ماه های حرام امنیت و امکان خرید و فروش وجود داشت (مناقب، ج ۱، ص ۶۵) ولی با وجود این محدودیت اقتصادی چنان شدید بود که چاره ای جز خوردن پوست درخت نداشتند (السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۳۷) مسلمانان این فشارها را تحمل می کردند زیرا در شعب بهتر می توانستند جان پیامبر را حفظ کنند.

محرومیت ها و رنج ها باعث شد که اتحاد بنی هاشم بر ضد اشراف مکه بیشتر شود و ستمگری های آنان را بیشتر نشان داد حصر در شعب ابوطالب سه سال طول کشید (الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۲۱) و پیامبر فرصت بیشتری پیدا کرد که به تبلیغ و ارشاد مسلمان و دعوت مشرکین محصور در شعب پردازد. قریش نسنجیده این فرصت را فراهم کرد و مسلمانان برای مقاومت آماده تر شدند و مسلمانان با روح بزرگ پیامبر بهتر آشنا شدند و به نیروی ایمان در آفرینش انسان مومن و صبور پی برده و الگو گرفتند بدون آنکه پاداش مادی دنیوی دریافت کنند.

سرانجام پیمان نامه را موریا نه خورد و فقط «بسمک اللهم» باقیماند. ضمن آن که بسیاری از مخالفین فهمیدند محصور کردن بنی هاشم کاملاً به ضرر آنها بوده است از طرف دیگر طرفداران نقض پیمان نامه وقتی زمینه را مطلوب دیدند مسلحانه به سوی شعب رفتند و بنی هاشم را به ترک آنجا فراخواندند. تاریخ ترک شعب را نیمه رجب سال دهم هجری نوشته اند. (همان، ج ۱۰، ص ۲۱۰)

مرگ خدیجه در سال دهم هجری (در شعب ابوطالب) اتفاق افتاد. (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۶) و مرگ خدیجه را بین ۳ تا ۵۵ روز بعد از مرگ ابوطالب اعلام کرده اند. (همان، ج ۱، ص ۴۰۴) از دست دادن دو یاور نیرومند و با نفوذ برای پیامبر بسیار دردناک بود و فشار مشرکین روز به روز شدت گرفت.

□ انتخاب پایگاه یا پناهگاه مناسب

بر اساس گزارش های موجود با مشاهده گسترش شکنجه های مسلمانان بی پناه حضرت پیامبر اکرم (ص) آنان را به سوی هجرت به حبشه فراخواند. مسلمانان دوبار به حبشه مهاجرت کردند. تعداد مهاجران را متفاوت اعلام کرده اند بیشتر گفته شده یازده نفر مرد و چهار نفر زن در نوبت اول مهاجرت نمودند (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۲۲) و پس از دو ماه سکونت در حبشه با استفاده از حق جوار به مکه بازگشتند و در مرتبه دوم یکصد و یک نفر (الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۷) به سرکردگی جعفر بن ابیطالب مهاجرت کردند.

در مورد زمان مهاجرت مسلمانان زمان های مختلف را بیان کرده اند از آن جمله قبل از محصور شدن در شعب و همچنین بعد از حصر در شعب. آنچه مورد توجه است اینکه حضرت پیامبر به فکر

پناهگاهی برای مسلمانان و تبلیغ اسلام در سرزمین‌های دیگر بود و انتخاب حبشه به وسیله حضرت محمد (ص) با بررسی و تحقیق انجام گرفته بود و مسلمانان در آنجا در محل امن زندگی می‌کردند با وجود این وقتی در مهاجرت اول شنیدند که مردم مکه مسلمان شدند به شوق حضور در جوار پیامبر و سایر مسلمانان به مکه مراجعه کردند. نتیجه آن که مهاجرت فقط از بیم جان نبوده است بلکه تدارک پایگاهی امن در بیرون شبه جزیره عربستان بوده است و با نقشه دقیق حضرت پیامبر (ص) صورت گرفته است. (انقلاب تعاملی اسلام، ص ۹۳)

□ بررسی وضعیت مسلمانان بعد از حصر در شعب ابیطالب

بعد از مرگ ابیطالب مشرکین فرصت پیدا کردند که فشارها و سخت‌گیری‌ها را هر روز نسبت به مسلمانان زیادت‌تر کنند کم‌کم کار به بن بست رسید تا آنجا که تقریباً کار دعوت در مکه متوقف شد. برای بیرون شدن از این بن بست حضرت محمد (ص) در اطراف مکه به دنبال جایی برای دعوت و همچنین نجات از آزارهای فزاینده بود. به این منظور به طائف رفت ولی علاوه بر آنکه استقبال نکردند با اهانت و پرتاب سنگ آن حضرت را از طائف خارج کردند.

پیامبر در مقابل بد رفتاری مردم طائف به خدا پناه برد و با وجودی که فرشته وحی دست او را برای نفرین بر مردم طائف وا گذاشت. فرمود نمی‌توانم خواستار مرگ مردم طائف باشم چرا که می‌ترسم در اصلااب ایشان مردم راه یافته‌ای وجود داشته باشد. (السیرة الحلییه، ج ۱، ص ۳۵۴) (یا مَنْ رَحِمْتَهُ عَفِيفَه)

متأسفانه روزهای کوشش و تلاش بی‌ثمر بود، مخالفان آزار و شکنجه را با بی‌شرمی ادامه می‌دادند چنانکه آب دهان به صورت مبارک او می‌انداختند، زنان و اطفال را وادار کردند بر سر ایشان خاکستر و شکمبه گوسفند بریزند. حضرت محمد (ص) به سراغ قبیله بنی عامری صعصعه رفت و آنان را دعوت کرد. (سیره ذهبی، ص ۱۸۷) مردی به نام بحیره بن فراس که آرزوی سلطه بر مکیان را داشت گفت: «بنی عامر حاضر به قبول اسلام است به شرط واگذاری جانشینی پیامبر به وی، ولی پیامبر فرمودند: «اختیار این امر با خداست و او آن را در هر جا که خود بخواهد قرار می‌دهد» بعد از آنکه پیامبر (ص) از قبیله بنی عامری پاسخ نامناسب شنیدند باز هم از پا نایستادند و به تبلیغ خود ادامه دادند و حتی برای دعوت تا (کنده) نیز رفت ولی حاصلی نداشت. (الروض الانف، ج ۴، ص ۱۲۰)

□ آمدن مردم یثرب

پیامبر چون کوه استوار بود به طور جدی و عجیب ایستادگی می‌کردند و با تزکیه‌ای که در مسلمانان به وجود آورده بودند امیدوار و پابرجا بودند در سال پانزدهم هجری در موسم حج پیامبر اکرم (ص) با شش نفر از قبیله خزرج ملاقات کرد و اسلام را بر آنها عرضه کرد و برای آنان قرآن را

تلاوت کرد و ایشان مسلمان شدند و در سال دوازدهم، دوازده نفر مرد و پنج نفر زن به مکه آمدند (سیره ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۳۴) و در عقبه دوم پیمان نامه نوشته شد و مقدمه مهاجرت مسلمانان به یثرب و توسعه اسلام فراهم شد و در سال سیزدهم هجری هفتاده و سه نفر مرد و زن به مکه آمدند (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۴۳) و با پیامبر بیعت کردند.

□ نقشه قتل پیامبر (ص) در ليله المبيت

قریش فکر می کردند با مهاجرت مسلمانان به یثرب در مبارزه با حضرت محمد و اسلام موفق شده اند، ولی خلاف این بود زیرا اسلام به سرعت در شهر و روستاهای دیگر گسترش پیدا می کرد. بخصوص که پیامبر نقیبانی برای تبلیغ اعزام می کرد. آنها متوجه به خطر افتادن قدرت قریش شدند، لذا تصمیم گرفتند ریشه جان او را در همان مکه خشک کنند تا امکان تشکیل دولت و حکومت مسلمین در یثرب از بین برود، به همین علت اصحاب دارالندوه هم پیمان شدند که حضرت محمد را به قتل برسانند.

پیامبر (ص) به دستور خداوند پس از اعزام مسلمانان به یثرب در شب پنجشنبه اول ربیع الاول سال چهاردهم هجری از راه مخفیانه (به علت مسدود بودن راهها توسط مشرکین) (همان، ج ۲، ص ۴۸۱) به سمت یثرب حرکت کرد، در آن شب حضرت علی (ع) در قنجاه در بستر محمد (ص) خوابید و پیامبر اعظم (ص) به یثرب مهاجرت کردند. «و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»

نتیجه

با توجه به بررسی هایی که در این تحقیق به عمل آمد گسترش اسلام در مکه از زمان بعثت نبی اکرم (ص) تا سال سیزدهم هجرت به شرح زیر است:

۱- پیامبر اکرم (ص) در ماه مبارک رمضان و بعضی اوقات دیگر برای دوری از غوغای فسادانگیز مشرکین مکه به غار حرا می رفت و به عبادت می پرداخت. بنا به قول علمای امامیه و اکثر مورخین در سن چهل سالگی در بیست و هفتم رجب با خواندن آیات اول سوره علق به پیامبری مبعوث شد. خدیجه اولین زن و حضرت علی (ع) اولین مردی بودند که به حضرت محمد (ص) ایمان آوردند و بعد زید بن حارثه و به تدریج دیگران مسلمان شدند.

۲- دعوت پیامبر اکرم با نزول آیه (یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ) در سه مرحله شروع شد؛

الف- مرحله دعوت خصوصی حضرت و عضوایی انفرادی و انسان سازی فردی که نتیجه آن

استحکام بنیادهای نهضت اسلامی بود.

ب- مرحله دوم دعوت اقوام و عشیره خود با نزول آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) و ترتیب میهمانی (یوم الدار) توسط حضرت علی (ع)

ج- مرحله دعوت عمومی تا پایان سال سیزدهم که به یثرب مهاجرت کردند که با نزول آیه « فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ أَنَا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ » آغاز گردید.

۳- اقدامات پیامبر (ص) در جهت سالم سازی و پاک سازی و آماده کردن نیروهای مقاوم راستین مدافع اسلام، عبارت بود از:

الف- تخریب نظام فکری و اخلاقی جاهلی

ب- تصحیح آداب و رسوم و سنن در مسیر صراط مستقیم

ج- تهذیب جانها با نماز و عبادت به درگاه خدای یگانه

د- کادر سازی و تکوین نظام فکری مسلمانان

۴- سلاح حضرت محمد (ص) در مقابله با مشرکین

حضرت پیامبر (ص) در مقابل مخالفت‌های شدید مشرکین از سلاح‌های زیر استفاده کردند و موفق شدند:

الف- مبارزه پیغمبر (ص) سیاسی- فرهنگی بود، او با سلاح‌های ارزش‌های اخلاقی و معرفتی و خردگرایانه با مشرکین مبارزه کرد. هیچگاه به زور و تزویر و نفرین متوسل نشد. شخصیت او که اسوه حسنه بود مشرکین را شکست داد.

ب- حضرت محمد (ص) کوهی از صبر و استقامت بود و امید به رحمت الهی و رأفت چنانکه با سلاح صبر در مقابل همه ترفندها پایداری کرد تا آنها را خنثی نمود.

ج- بهره‌گیری به موقع از آیات معجزه آسای قرآن کریم که شنوندگان را به خود جذب می‌کرد.

د- نفوذ معنوی و امانت‌داری و صداقت که حتی دشمنان آنرا اعتراف می‌کردند و به طور دقیق مسلمانان تا پای جان اطاعت امر او را می‌کردند که نمونه کامل آن حضرت علی (ع) بود.

فہرست منابع

- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نہج البلاغہ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراہیم، مصر، دارالاحیاء الکتب، ۱۳۸۵ھ۔
- ۲- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، «الکامل فی التاریخ»، بیروت، دار صادر، بی تا۔
- ۳- ابن اسحاق، سیرہ ابن اسحاق، تحقیق سہیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ھ۔
- ۴- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، الصفوہ الصفوہ، بیروت، دارالکتبہ العلمیہ، ۱۴۰۹ھ۔
- ۵- ابن سعد، ابوعبداللہ محمد، الطبقات الکبری، بیروت، الطباعہ و النشر، ۱۴۰۵ھ۔
- ۶- ابن کثیر، ابوالفدا الحافظ اسماعیل بن کثیر، البدایہ النہایہ، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۹ھ۔
- ۷- ابن ہشام، السیرہ النبویہ، تحقیق مصطفی السقا، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ م۔
- ۸- ابوالفرج حسین بن علی، روض الجنان روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد جعفر یاققی، بنیاد پژوهش اسلامی، ۱۳۶۷ ش۔
- ۹- الحلبی الشافعی، علی بن برہان الدین، السیرہ الحلیبیہ، السید احمد زینی، بیروت، مکتبہ الاسلامیہ، بی تا۔
- ۱۰- الہی قمشہای، مہدی، ترجمہ قرآن مجید، انتشارات کتابفروشی اسلامیہ، ۱۳۴۲ ش۔
- ۱۱- امینی عبدالحسین، الغدیر، ترجمہ سید ہادی سینا، تہران، انتشارات غدیر، بی تا۔
- ۱۲- بلاذری، احمد بن یحیی، الانساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید اللہ، بیروت، موسسہ الاعلمی، بی تا۔
- ۱۳- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، تکلمہ و ترجمہ تاریخ طبری، تصحیح بہار، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۴۰ ش۔
- ۱۴- دوانی، علی، تاریخ اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا۔
- ۱۵- دورانت، ویل، تاریخ تمدن- عصر ایمان، ترجمہ ابوالقاسم طاہری، تہران، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش۔
- ۱۶- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، انتشارات صحت، ۱۳۷۸ ش۔
- ۱۷- زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، قم، مکتبہ الاعلام اسلامی، ۱۴۱۴ھ۔
- ۱۸- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲ ش۔
- ۱۹- سہیلی، عبدالرحمن (---)، «الروض الانف فی شرح سیرہ النبویہ»، شرح عبدالرحمن الوکیل، مصر، دارالکتب

الحدیثه.

- ۲۰- شریعتی، علی (---)، سلسله درسه‌های تاریخ ادیان، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد.
- ۲۱- طبرسی، الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن (۱۴۰۴)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تعلیقات محمد باقر موسوی، مشهد نشر المرتضی.
- ۲۲- طبرسی، (۱۳۶۷)، «ترجمه تفسیر طبری»، تصحیح حبیب یغمائی، تهران، انتشارات طوسی.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۸)، «تاریخ الرسل و الملوک»، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم بیروت، دارالتراث.
- ۲۴- طوسی، ابوجعفر بن الحسن، (---)، «تفسیر التبیان»، تصحیح احمد حبیب قصر العاملی، نجف مکتبه الامین.
- ۲۵- فارسی، جلال‌الدین، (۱۳۴۹)، «انقلاب تکاملی اسلام»، تهران انتشارات آسیا.
- ۲۶- مجلسی، محمدباقر، (---)، «بحار الانوار»، تصحیح محمد باقر بهبودی، انتشارات اسلامیة.
- ۲۷- مسعودی، ابوالحسین علی بن حسین مسعودی، (۱۳۶۵)، «التنبیه الاشراف»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۸- منتظر القائم، اصغر، (۱۳۷۰)، «تجلی هدایت»، نشر کوثر.
- ۲۹- نویدی، شهاب‌الدین احمد، (۱۳۶۴)، «نهایت الارب»، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۰- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۴۵)، «تاریخ یعقوبی»، ترجمه محمد آیتی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ۳۱- ---، (۱۳۶۲)، «سیره رسول الله»، ترجمه رفیع‌الدین اسحاق همدانی، انتشارات خوارزمی.